

پیشگیری رشدمدار از بزهکاری اطفال و نوجوانان؛ مفاهیم و آثار



حمید پورعیسی، کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، مشاور دادگاه اطفال و نوجوانان تهران
پانته آ صبابی، دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین‌الملل

چکیده

بزهکاری پدیده‌ای است که همواره حائز اهمیت بوده و مدیریت و کاهش آن از توجه ویژه‌ای برخوردار است؛ در رابطه با پدیده مجرمانه باید مدنظر داشت که هیچ‌گاه آمار جرم به‌طور کامل به صفر نمی‌رسد؛ اما می‌توانیم با استفاده از ابزار و راهکارهایی (ابزار پیشگیرانه) این آمار را به حداقل برسانیم که پیشگیری‌های رشدمدار یکی از این ابزارهاست. این مقاله با تکیه بر تحقیقات کتابخانه‌ای و روش تبیینی در ارتباط با پدیده مجرمانه، به این موضوع خواهد پرداخت که وقتی صحبت از عنصر کودک و نوجوان به میان می‌آید باید برخوردی کاملاً متفاوت و بیشتر پیشگیرانه نسبت به آنان نشان داد؛ زیرا کودک و علی‌الخصوص نوجوان علاوه بر عناصر بیرونی و البته تأثیرگذاری عواملی همچون خانواده، همسالان و جامعه که بر اعمال آنها اثر می‌گذارد، دارای تغییرات شدید روحی و نوسانات دوران بلوغ نیز هستند که این موارد خود در زمره اهداف مهم در راستای نوشتن این مقاله بوده است؛ چراکه اگر این حالات به درستی مدیریت نشوند، خود می‌توانند در آینده زمینه‌ساز ارتکاب جرایم بزرگتری شوند. باید توجه داشت که رویکرد پیشگیری رشدمدار از بزهکاری اطفال و نوجوانان صرفاً نظری نیست، این روش باعث دست یافتن به یافته‌هایی در زمینه شناسایی عوامل خطر گرایش به بزهکاری در زندگی اطفال و نوجوانان شده است که مداخلاتی را برای رفع عوامل خطر و یا خنثی کردن و دفع ضرر آنها طراحی و اجرا می‌کند و از سوی دیگر عوامل حمایت‌کننده در برابر گرایش به سمت بزهکاری را تقویت می‌نماید؛ بنابراین پیشگیری رشدمدار یکی از اشکال پیشگیری اجتماعی است که به دنبال بهبود پایدار توانایی‌های اجتماعی اطفالی است که به احتمال زیاد در معرض بزهکاری قرار می‌گیرند. در این مقاله با اتکا به مبانی نظری و ادبیات موجود در این زمینه، متناسب با شرایط حاکم بر جامعه به تبیین این مهم پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: بزهکاری، اطفال و نوجوانان، پدیده مجرمانه، پیشگیری رشدمدار



درآمد

اگر کودک محیط مناسب رشد خود را پیدا کند و انرژی ممتدش را در شرایط و فضای مناسب و البته در جهت صحیح صرف کند؛ از لحاظ بهداشت روانی، تعادل روحی و اخلاقی در وضعیت بهتری خواهد بود (شامبیاتی، ۱۳۹۵: ۳۸)؛ اما با این حال دشوارترین دوران حیات انسان از نظر تربیتی دوران نوجوانی است، چراکه این دوره درواقع مرحله انتقال فرد از دوران کودکی به جوانی است (همان: ۳۹) که می‌تواند شخص را با چالش‌های زیادی مواجه کند، چالش‌هایی که اگر به درستی کنترل و مدیریت نشوند خود در نهایت می‌توانند به بزه و اعمال خلاف قانون منجر شوند؛ به همین دلیل رسیدن به پاسخ این پرسش ضروری به نظر می‌رسد که اصولاً به چه دلیل کودک یا نوجوان مرتکب بزهکاری می‌شود؟ یافتن پاسخ این پرسش یکی از اهداف مقاله و راهکاری در جهت پیشگیری از ارتکاب بزه توسط اطفال و نوجوانان خواهد بود. سیاست جنایی مقابله با بزهکاری اطفال و نوجوانان، از سیاست جنایی مقابله با بزهکاری بزرگسالان متمایز است و ریشه این تمایز را می‌توان با توجه به شرایط و روحیات خاص آنها، نخست در تفاوت اقتضات دوران کودکی و نوجوانی به عنوان دوران شکل‌گیری شخصیت انسان با بزرگسالان و سپس تفاوت در بزهکاری آنان و در نهایت مختلف بودن پاسخ‌های برگزیده شده نظام عدالت کیفری جستجو کرد؛ چراکه ضرورت وصول به اهداف متعالی تعلیم و تربیت و نوسازی شخصیت، منش و پیشگیری از تکرار جرم، تأمین امنیت قضایی و جبران خسارت ایجاب می‌کند که نظام قضایی کشورها در تأمین اهداف مزبور موضوع ارتکاب جرم را پیگیری و واکنش جزایی مبتنی بر اصول علمی اتخاذ نمایند.

۱- پیشینه بزهکاری اطفال و نوجوانان

واژه بزهکاری اطفال برای اولین بار در سال ۱۸۱۵ در قوانین انگلستان مطرح شد (دانش، ۱۳۵۲: ۹). در زبان انگلیسی و اصطلاح حقوق کامن‌لا به جای توجه به ماهیت عمل ارتكابی به سن شخص توجه می‌شود (علوی، ۱۳۹۸: ۵۳) و همین امر باعث شده که ما اعمال مخالف با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه را که توسط اطفال و نوجوانان انجام می‌شود داخل در دسته بزهکاری بدانیم؛ بنابراین مهم‌ترین عاملی که جرایم این دسته از افراد را از نظر بزهکاری از بزرگسالان جدا می‌کند درواقع عامل سنی است (شامبیاتی، ۱۳۹۵: ۳۶).

پیشگیری رشدمدار یکی از زیرشاخه‌های پیشگیری اجتماعی بوده که متمرکز بر اطفال و نوجوانان در معرض خطر است و هدف از آن، مداخله در دوره‌های مختلف رشد اطفال و نوجوانان بزهکار، منحرف یا در معرض بزهکاری است که به منظور پیشگیری از مزمن و تکراری شدن بزهکاری آنان در دوران بزرگسالی انجام می‌شود.

در قوانین ایران، طفل به کسی گفته می‌شود که به حد بلوغ شرعی نرسیده است؛ اما از نوجوان تعریف خاصی بیان نشده و هر جا سخن از اطفال به میان آمده، بلافاصله از واژه نوجوان نیز استفاده شده است. بزهکاری در معنا و مفهوم خود عمل خطایی قلمداد می‌شود که ناشی از ترک انجام وظیفه از قانون یا انجام یک عمل

خطایی است که جرم قلمداد نمی‌شود و از این جهت برای اطفال استفاده می‌شود؛ زیرا با توجه به روح لطیفی که اطفال دارند نامناسب است که آنان را مجرم و تبه‌کار عنوان کرد. بزهکاری به عنوان یک آسیب اجتماعی می‌تواند به منزله یک بیماری اجتماعی تلقی شود، در صورتی که مبتلایان به این بیماری قشر نوجوان جامعه باشند که با وجود اینکه قشر آسیب‌پذیر جامعه هستند، ولی سرمایه اصلی هر کشور و جامعه‌ای نیز محسوب می‌شوند، پس ضروری است که از گسترش هرچه بیشتر این بیماری پیشگیری شود.

۲- روش‌های متداول پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان

از مهم‌ترین روش‌های پیشگیری از جرم ایجاد محیطی آرام و سالم در خانواده است. برقراری دوستی و تفاهم بین والدین که خود موجب آسایش خاطر و اطمینان کودک و نوجوان می‌شود؛ همچنین برخوردی صمیمانه و درعین حال محترمانه میان پدر و مادر و مراعات حریم، حرمت و شئون هر یک از آنها از طرف همسر در پیدایش حس احترام نسبت به والدین از جانب کودک بسیار مؤثر است (شامبیاتی، ۱۳۹۵: ۳۱۳). عدالت ترمیمی که در راستای پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان به کار گرفته می‌شود، از روش‌های کاربردی و نسبتاً جدید در این حوزه است که باید بیشتر نسبت به اجرای آن توجه شود؛ به کارگیری آموزه‌های عدالت ترمیمی در هنگام بروز تعارض یا ارتکاب جرم از سوی اطفال و نوجوانان به لحاظ کارکرد پیشگیرانه یا واکنش تنبیهی از اهمیت بسیاری برخوردار است که به عنوان مثال میانجیگری نقش مهمی در تدوین و اجرای برنامه‌های ترمیمی دارد؛ میانجیگری در حوزه پاسخ‌دهی به اطفال و نوجوانان و حتی بزرگسالان، یکی از مهم‌ترین

مصادیق راهبردی آموزه‌های عدالت ترمیمی است که در بسیاری از کشورها، از جمله ایالات متحده آمریکا، فرانسه، نیوزلند و استرالیا جزء اصلی نظام پاسخ‌دهی به بزهکاری اطفال و نوجوانان تلقی می‌شود (رحیمی نژاد و کاوسی خسرقی، ۱۳۹۵: ۳۸۷). از زمانی که خود رویکرد عدالت ترمیمی در دهه ۱۹۹۰ به طور علمی مطرح شد، نقش مدارس در ترویج عدالت ترمیمی با توجه به کارکرد محوری آن در توسعه یک جامعه ترمیمی و مبتنی بر صلح به طور کلی مورد توجه قرار گرفت، به گونه‌ای که کاربرد آموزه‌های ترمیمی در مدرسه حتی مهم‌تر از کاربرد آن در نظام عدالت کیفری اطفال و نوجوانان دیده شد که البته ایجاد مدرسه ترمیمی کار دشوار و طولانی خواهد بود؛ چراکه ارزیابی زیست بوم ارتباطی مدرسه و اجزای آن شامل سطوح بالای اعتماد بین تمامی اعضای جامعه مدرسه و سطوح بالای احساس شنیدن و شنیده شدن، کار مهمی است (براون، ۱۳۹۷: ۲۲). به این ترتیب ما در مدرسه با نمونه‌ای از جامعه بزرگتر و افرادی که در فرآیند یادگیری برای شهروند شدن در آینده هستند روبرو هستیم که به این ترتیب می‌توانیم از آمار وقوع بزه در آینده بکاهیم (رضوانی، کردعلیوند، ۱۳۹۷: ۶۶۵). به عنوان آخرین روش مطروحه در این مقاله می‌توان به پذیرش کودک و نوجوان در گروه همسالان اشاره کرد؛ گروه همسالان درواقع گروهی از نوجوانان بوده که اعضای آن هم‌سن و اغلب از یک جنس هستند و با یکدیگر یک جرگه اجتماعی تشکیل می‌دهند که فرد با عضویت آن در کنش متقابل با دیگر اعضای گروه قرار گرفته و از حمایت گروهی برخوردار می‌شود (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۳۹). لازم به ذکر است که پذیرفته شدن در گروه همسالان، عزت‌نفس نوجوان را افزایش

داده و به اجتناب از تنهایی وی کمک می‌کند (قنبری، هاشم زاده، ۱۳۹۸: ۳۶). درنهایت با بررسی تأثیر پیشگیری‌های رشدمدار می‌توان به این مسئله پی برد که ضعف یا عدم وجود هریک از موارد فوق، می‌تواند زمینه‌ای برای وقوع بزه فراهم آورد؛ چراکه مبحث پیشگیری رشدمدار خود متغیری مستقل بوده که عدم توجه و نادیده گرفتن آن، بزهکاری کودک و نوجوان را به خود وابسته می‌کند، به این شکل که نبود مواردی از قبیل ایجاد محیطی آرام و سالم در خانواده، عدم توجه به عدالت ترمیمی در مدارس و همچنین عدم پذیرش کودک و نوجوان در گروه همسالان همگی می‌توانند به‌خودی‌خود علتی برای ایجاد حالت بزه در این‌گونه افراد شوند یا به عبارت بهتر، رفتار بزه گونه فرد می‌تواند معلولی برخاسته از این علت‌ها باشد.

۳- مبانی، مفهوم و انواع پیشگیری رشدمدار

پیشگیری رشدمدار یکی از زیرشاخه‌های پیشگیری اجتماعی بوده که متمرکز بر اطفال و نوجوانان در معرض خطر است و هدف از آن، مداخله در دوره‌های مختلف رشد اطفال و نوجوانان بزهکار، منحرف یا در معرض بزهکاری است که به منظور پیشگیری از مزمن و تکراری شدن بزهکاری آنان در دوران بزرگسالی انجام می‌شود؛ بنابراین پیشگیری رشدمدار با بهره‌گیری از اقدامات ترمیمی و اصلاح‌گر درصدد از بین بردن تداوم بزهکاری در کودکان و نوجوانان است و در این بین بر مبنای مداخله در فرآیند شکل‌گیری شخصیت اکثر کودکان و نوجوانان، علی‌الخصوص افراد در معرض خطر تأکید دارد که با این مهم درنهایت افرادی قانون‌مدار تربیت کند.

پیشگیری اجتماعی رشدمدار یا زود هنگام، تلاش دارد که با شناسایی عوامل خطر،

تقویت عوامل حمایتی و مداخله زودرس، با خنثی کردن عوامل آسیب‌زا، از بزه‌دیدگی و بزهکاری و همچنین از مداومت فرد در فضای بزهکاری جلوگیری کند؛ از آنجایی که دوران کودکی و نوجوانی بهترین زمان برای جلوگیری از ورود شخص به این فضا است به همین جهت پیشگیری رشدمدار، نوعی از پیشگیری درزمینه بازدارندگی کودکان و نوجوانان برای وقوع بزه در این سنین می‌باشد.

در بیان انواع پیشگیری‌های رشدمدار می‌توان به این امر پرداخت که پیشگیری افراد در زمینه‌های مختلفی می‌تواند تجلی پیدا کند، نظیر حق بقا، حق تابعیت، حق برخورد درست از طرف خانواده، حق تحصیل در مدارس، حق رفاه و ... که پیشگیری در هریک از این موارد از نوع خاصی برخوردار است و نمی‌توان در تمامی محیط‌ها از یک روش برای پیشگیری افراد استفاده کرد؛ به همین جهت در موارد فوق به ترتیب به تأثیر پیشگیری در عواملی چون خانواده، مدارس و همچنین تأثیر آن در گروه همسالان پرداخته شد.

۴- فواید و محاسن بهره‌مندی از پیشگیری‌های رشدمدار

بزهکاری کودکان معمولاً از ترکیب عواملی ناشی می‌شود که از کودکی به کودک دیگر متفاوت می‌باشد و هیچ عامل واحدی برای توضیح بزهکاری کافی نیست. اگرچه هیچ راه‌کار جادویی برای پیشگیری یا اصلاح بزهکاری کودکان وجود ندارد؛ اما برای افزایش روش‌های مؤثر برای جلوگیری از بزهکاری کودکان و تشدید آن، روش‌های مداخله باید طیف گسترده‌ای از عوامل فردی، خانوادگی، همسالان، مدرسه و جامعه‌رادر نظر بگیرند (flores, 2003: 10). عوامل خطر در سطح جامعه به‌طور کلی به محیط فیزیکی، فرصت‌های اقتصادی و حمایت‌های اجتماعی موجود و دیگر



رفتارهای مخالف اوامر و یا نواهی قانون گذار از یک طرف و آثار مخرب و جبران ناپذیر ورود این اشخاص به دادرسی کیفری بزرگسالان، موجب شده است تا مسئولان و دست‌اندرکاران عدالت کیفری در این خصوص چاره‌اندیشی کنند و با اتخاذ شیوه‌هایی متفاوت در مقام اصلاح کودکان و نوجوانان و پیشگیری از فرو غلطیدن آنان در ورطه بزهکاری برآیند.

در پیشگیری رشدمدار، بعد از محیط خانواده که کودک بیشترین زمان خود را در آن می‌گذراند مدرسه می‌تواند به‌عنوان یک عامل حمایتی عمل نماید، لذا برنامه ریزان حوزه پیشگیری رشدمدار توجه ویژه به مدرسه داشته و با طراحی برنامه‌های گوناگون سعی در ممانعت از ناهنجاری‌های کودکان در معرض خطر دارند (داودی، ۱۳۹۲: ۲۱)، از جمله برنامه‌های مدرسه مدار می‌توان به پیوند مجدد فعالیت‌های فوق برنامه اشاره کرد، در پیشگیری رشدمدار، برنامه جامعه مدار به‌عنوان یک عامل حمایتی عمل کرده و سعی دارد در شرایط اجتماعی که موجب به وجود آمدن رفتارهای منحرفانه و بزهکارانه در کودکان و نوجوانان می‌شود دخالت کند و آنها را تغییر دهد که این برنامه‌ها معمولاً توسط نهادهای اجتماعی فوق‌الذکر نظیر مراکز فرهنگی، آموزشی، مدرسه و... انجام می‌شود (همان).

تأثیر پیشگیری رشدمدار در این سنین آن قدر مهم و به نسبت بزرگسالان نتیجه‌بخش تر بوده که باعث ایجاد چنین روش‌ها و فرآیندهایی در پیشگیری از وقوع بزهکاری در کودکان و نوجوانان می‌شود که مداخله زودهنگام و شناسایی به موقع افراد در معرض بزه، خود می‌تواند نتیجه‌ای رضایت‌بخش‌تر و حائز اهمیت در تأثیر این گونه از پیشگیری در کودکان و نوجوان داشته باشد.

دادن مدت حضور افراد در فعالیت‌های جنایی و جلوگیری از روی آوردن آنان به اعمال و حرفه مجرمانه است و به دنبال آن است تا علاوه بر افراد، محیط‌های شخصی و عمومی پیرامون آنان را نیز درگیر نماید تا از تداوم رفتار جنایی افراد در معرض خطر جلوگیری شود (نیازپور، ۱۳۸۷: ۱۳۴).

پس درواقع هدف این نوع پیشگیری مداخله زودرس در افرادی است که رفتار ضداجتماعی از خود بروز داده و این رفتار می‌تواند از تحول تدریجی به سوی یک بزهکاری در آینده خبر دهد؛ ازاین‌رو با مداخله در رشد فرآیند کودکان و تمرکز بر روی عوامل فردی و اجتماعی که به پیشرفت آمادگی‌های مجرمانه کودکان و پایداری رفتارهای بزهکارانه در آنان تأثیر می‌گذارد می‌توان با جامعه‌پذیر کردن این افراد از تبدیل شدن آنان به بزهکار مزمن جلوگیری کرد (رجبی پور، ۱۳۸۸: ۱۲۹).

اعمال قوانین جزایی درباره اطفال و نوجوانان بزهکار به‌خودی‌خود، بازدارنده و درمان‌کننده اختلالات رفتاری آنان نیست و با توجه به اینکه عوامل متعددی در پیدایش و رشد رفتار بزهکارانه توسط کودکان و نوجوانان مؤثر است و در مسیر اصلاح و بازپروری نیازمند خدمات روان‌شناختی و مشاوره هستند، در صورت عدم دریافت این خدمات، رفتار مجرمانه آنان حتی با اعمال مجازات، دوباره تکرار خواهد شد؛ بنابراین می‌تواند نقش مهمی در کاهش جرایم ویژه گروه سنی کودکان و نوجوانان داشته باشد.

یکی دیگر از فواید و محاسن بهره‌مندی از پیشگیری‌های رشدمدار، تأمین مصالح عالی کودکان و نوجوانان است. برخورداری کودکان و نوجوانان از شرایط حساس دوران رشد و تکامل جسمی و روحی و ضرورت برخوردی متفاوت با آنها در صورت ارتکاب

ویژگی‌ها یا ساختارهایی که بر آنها تأثیر می‌گذارند مربوط می‌شوند. در نهایت هرچند که شناسایی این عوامل خطر متعدد کار دشواری است؛ اما مطالعه و پژوهش‌های پیرامون این عوامل برای افزایش برنامه‌های پیشگیری که اغلب نیروی انسانی و بودجه محدودی دارند، حیاتی است. شناسایی اینکه کدام عوامل خطر ممکن است باعث بزهکاری برای گروه خاصی از کودکان در مراحل رشد آنها بشود، ممکن است به برنامه‌هایی که هدف آنها حل معضلات و مشکلات مربوط به کودکان است به صورت کارآمدتر و مقرون به صرفه‌تر کمک کند.

برخی اطفال و نوجوانان به دلایل متعددی از مسیر عادی رشد خود منحرف شده و مبتلا به انواع مشکلات جسمی، روانی، روحی و یا انحرافات رفتاری می‌گردند و یکی از مهم‌ترین این انحرافات، گرایش به رفتار ضداجتماعی و قانون شکنانه است. رفتار بزهکارانه و قانون شکنانه عوامل متعددی دارد و راه‌های گوناگونی برای پیشگیری و درمان آن وجود دارد. در تمام اجتماعات بشری، نظام‌های حقوقی و درمانی مناسبی برای کودکان و نوجوانان ایجاد شده است. بی‌شک صرف برخورد قضایی و اعمال برخی مجازات‌ها نمی‌تواند در پیشگیری و کنترل رفتار مجرمانه مؤثر باشد. در راستای جلوگیری از این امر، پیشگیری رشدمدار که درواقع از زیرشاخه‌های پیشگیری اجتماعی است توصیه می‌شود؛ زیرا پیشگیری اجتماعی شامل آن دسته از تدابیر و اقداماتی است که با مداخله در فرآیند رشد افراد، بهبود شرایط زندگی آنها و سالم‌سازی محیط اجتماعی و محیط طبیعی به دنبال حذف یا کاهش علل جرم‌زا و در نتیجه پیشگیری از بزهکاری است (نیازپور، ۱۳۸۵: ۱۲۷-۱۳۹) و همچنین پیشگیری رشدمدار برای کاهش

برآمد

با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت عوامل ساختار زیستی و ویژگی‌های روانی کودکان و نوجوانان از عوامل مهمی است که بر رفتار آنان تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین در صورتی یک کودک دست به ارتکاب بزه می‌زند که از لحاظ روحی در وضعیت نامطلوبی قرار داشته باشد و این ناآرامی روحی می‌تواند ناشی از مشکلات خاص خود فرد، فشار والدین، عدم ارتباط صحیح با همسالان و عواملی همچون دوران خاص بلوغ و... باشد که هر کدام به نوبه خود می‌تواند اثری مخرب بر رفتار کودک یا نوجوان بگذارد و به همین علت است که در صورت قرار گرفتن در معرض وقوع بزه و یا حتی پس از آن، توجه به نکاتی همچون شناسایی اولیه مسائل و مشکلات مربوط به رشد و تکامل خاص هر کودک، گسترش روابط با نهادها و سازمان‌های غیردولتی، در ارتباط قرار دادن خانواده‌ها با خدمات اجتماعی یا سازمان‌های غیردولتی که بتواند در مشکلات به آنان کمک نماید و هماهنگی با مددکاران اجتماعی می‌تواند نقش مؤثری در کنترل و کاهش این دسته از جرایم ایفا کند. ویژگی‌های منفی همچون ضعف اعتماد به نفس، ضعف عزت نفس، خودپندار منفی، ضعف قدرت تصمیم‌گیری، خطای شناختی، نقص مهارت‌های ارتباطی، اختلال هویت، ناتوانی در مقابله با فشار، خلیات منفی، از جمله عوامل مؤثر بر شکل‌گیری رفتارهای کودکان و نوجوانان است. این عوامل روان‌شناختی بر بروز رفتارهای بزهکارانه نیز مؤثرند که در صورت مداخله‌های سریع در راستای اصلاح و درمان آنها می‌توان امید به کاهش این رفتارهای ناهنجار داشت. برنامه‌های مداخله‌ای پیشگیرانه رشدمدار پس از شناخت خلیات منفی کودکان و نوجوانان در معرض خطر اقدامی حیاتی محسوب می‌شود. در راستای رسیدن به این مهم باید توجه داشت که در این راه علاوه بر نظام عدالت کیفری، خانواده و جامعه هم باید با آنان همراه بوده تا بتوانند اثری شگرف در زمینه تربیت این نسل بگذارند؛ به عنوان مثال در خانواده همراه بودن پدر و مادر با فرزند و رفت‌وآمدهای خانوادگی و همچنین دادن آموزش‌های لازم به والدین در جهت چگونگی برخورد با کودک و نوجوان می‌تواند مؤثر باشد. در زمینه آموزشی و پرورشی، بالا بردن امکانات رفاهی در زمینه تحصیلی و دسترسی عموم مردم به مدارس، دانشگاه و... می‌تواند از آمار ارتکاب جرایم بکاهد؛ همچنین باید امکان ادامه تحصیل برای کودکان یا نوجوانانی که مرتکب بزه شده‌اند و یا بزه دیده هستند نیز فراهم شود تا از ارتکاب دوباره جرایم و ایجاد احساس ناامیدی در این افراد جلوگیری شود. در بخش‌های فرهنگی باید توجه داشت که پیشگیری رشدمدار تربیت مدار بوده که یعنی در صدد شخصیت‌سازی افراد است؛ این پیشگیری با بهره‌گیری از تدابیر و اقدامات آموزشی - پرورشی بر سالم‌سازی فرآیند رشد افراد تأکید دارد و از همین جهت است که تلاش می‌کند تا در روند شکل‌گیری شخصیت مجرمانه اختلال ایجاد کند و فرد را به سوی جامعه‌پذیری هدایت کند. در نتیجه با رفع این خلأ می‌توان مانع از بزهکاری مجدد آنها شد.

فهرست منابع

- ۱- احمدی، حبیب، جامعه‌شناسی انحرافات، انتشارات سازمان سمت، ۱۳۸۸
- ۲- براون، مارتا ای، «انسانی کردن آموزش و پیوند دوباره‌ی اشخاص: ظرفیت عدالت ترمیمی در آموزش»، در: فرجیها، محمد (زیر نظر)، چکیده مقالات دومین همایش دوسالانه بین‌المللی عدالت ترمیمی؛ پل ارتباطی میان تمدن‌های جاده ابریشم، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۷
- ۳- دانش، تاج زمان، دادرسی اطفال در حقوق تطبیقی، تهران، انتشارات کتابخانه ملی، ۱۳۵۲
- ۴- داودی، ذوالفقار، پیشگیری رشدمدار از اعتیاد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده، دانشگاه اصفهان، ۱۳۹۲
- ۵- رجی پور، ابراهیم، پیشگیری انتظامی شهروندمدار، نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم، مجموعه مقاله‌های کارگروه پیشگیری انتظامی از جرم، تهران، انتشارات معاونت ناجا، ۱۳۸۸
- ۶- رحیمی نژاد، اسماعیل و کاوسی خسرقي، پرزاد، «بررسی محدودیت‌های استفاده از برنامه عدالت ترمیمی در دادرسی اطفال و نوجوانان با تأکید بر نظام حقوقی ایران» در: دانش‌نامه عدالت ترمیمی، زیر نظر محمد فرجیها، نشر میزان، ۱۳۹۵
- ۷- رضوانی، سودابه و کردعلیوند، روح الدین، مطالعه تطبیقی کاربرد آموزه‌های عدالت ترمیمی در مدرسه، پاییز و زمستان ۱۳۹۷
- ۸- شامبیاتی، هوشنگ، بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۵
- ۹- علوی، سید محمدرضا، پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان در فضای مجازی- انتشارات مجد، ۱۳۹۸
- ۱۰- قنبری، محمدرضا و هاشم زاده، نفیسه، پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان، انتشارات جنگل، جاودانه، ۱۳۹۸
- ۱۱- نیازپور، امیرحسین، پیشگیری از بزهکاری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و لایحه پیشگیری از وقوع جرم، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۵، ۱۳۸۵
- ۱۲- نیازپور، امیرحسین، بزهکاری به عادت از علت شناسی تا پیشگیری، تهران، انتشارات فکر سازان، ۱۳۸۷
- 13- Flores, Robert. Risk and protective factors of child delinquency. child, 2003